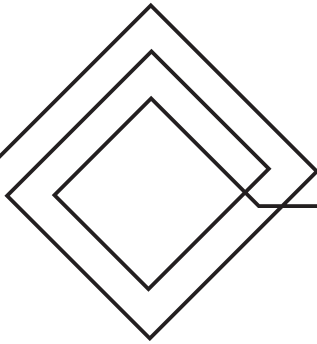




نگاهی به آیین پیوند در شهرستان‌های ارزوئی، بافت و رابر فؤاد توحیدی



ارزوئی، بافت و رابر که به پیشنهاد جناب دکتر نیک‌نفس به منطقه ابر شهره شده است زمانی به اقطاع شناخته می‌شد. به نظر می‌رسد قطعه قطعه بودن مناطق به لحاظ فرهنگی دلیل این نام‌گذاری بوده است. بعدها این سه ناحیه به نام شهرستان بافت یکپارچه شد. با تأسف چند سال پیش با یک تقسیم‌بندی غیرکارشناسانه دوباره این منطقه به سه شهرستان ارزوئی، بافت و رابر خط‌کشی شد.

سال‌هاست که تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی بدون توجه به ارتباطات فرهنگی و تاریخی، سرپوشی شده است بر بی‌کفایتی مدیران در اداره نواحی مختلف کشور.

احتمالاً این تقسیم‌بندی‌های ناشیانه به زودی دامن کل استان کرمان را هم خواهد گرفت. در نوشتار زیر سعی شده به آیین پیوند (عیش) در منطقه ابر که البته با تفاوت‌هایی در نواحی مختلف آن برگزار می‌شود، پرداخته شود. ابر یک ناحیه چند فرهنگی (Multicultural) است. علاوه بر افراد بومی که هزاران سال در این ناحیه زیسته‌اند، اقوام مختلفی به این نواحی کوچ کرده‌اند و یا کوچانده شده‌اند.

مهمترین آنها اقوام فارس (تاجیک)، ترک، عرب، لر و بلوچ هستند. به نظر می‌رسد ایلات جبال بارزی، غربا، تتلو، پشت کوهی و مهنی اولین ساکنان منطقه ابر بوده‌اند. بعدها ایلات سلیمانی، لک، بلوچ، سبز بلوچ، آیینهای و گر از سایر نواحی به این ناحیه مهاجرت کرده‌اند. در اوایل اسلام گروهی از اعراف برای ترویج دین اسلام در این ناحیه پراکنده شدند مانند طوایف بنیاسد و انصاری. در نهایت بعضی از ایلات را به لحاظ مخالفت با دولت‌های مرکزی به این ناحیه کوچ داده‌اند مانند ایلات افشار، لری، بچاقچی و طایفه جمالی. ارتباطات میان‌فرهنگی باعث ایجاد اشتراکات بسیاری بین این اقوام شده است. موسیقی هم به عنوان یکی از شاخصه‌های فرهنگی از تأثیرات میان فرهنگی بی‌نصیب نبوده است و اشتراکات موسیقایی بسیاری چه از لحاظ ملودی و چه ریتم و شعر و سازبندی بین اقوام این ناحیه وجود دارد. منطقه ابر را می‌توان به دو ناحیه سردسیر و گرمسیر تقسیم کرد.

مناطق شمالی مانند بافت، رابر، بزنجان، کیسکان و گوغر دارای آب و هوای معتدل کوهستانی است و مناطق جنوبی مانند ارزوئیه، شاهماران، صوغان، وکیل‌آباد و دولت‌آباد دارای آب و هوای نیمه‌صحرائی است. مسلماً آداب و رسوم مناطق سردسیر و گرمسیر کاملاً متفاوت‌اند. ولی کوچ عشایر باعث نوعی یکدستی در این آداب و رسوم و آیین‌ها شده است. البته همان‌گونه که گفته شد هنوز تفاوت‌هایی در برگزاری رسوم و آیین‌ها وجود دارد. آیین پیوند (عیش) یکی از مهمترین آیین‌های هر ناحیه‌ای است. این آیین در منطقه ابر باشکوه خاصی برگزار می‌شود.

موسیقی بخش مهمی از این آیین را تشکیل می‌دهد. گروه‌های مختلفی به صورت موروثی موسیقی آیین پیوند را اجرا می‌کنند از جمله آنها می‌توان به طوایف کولی (لولی)، مرسوم کار، سیاه باب و لوطی اشاره کرد. کولی‌ها و لولی‌ها یکی از مهمترین عاملان داد و ستد فرهنگی هستند و به نوعی فرهنگ‌ها را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر می‌برند و باب می‌کنند. به آنها غربت هم گفته می‌شود. شغل اصلی آنها خراطی است ولی در کنار آن به سایر مشاغل مانند آهنگری و نوازندگی هم می‌پردازند. از نظر من لولی‌ها و کولی‌ها عامل زنده ماندن بسیاری از آداب و رسوم و شاخصه‌های فرهنگی از جمله موسیقی هستند. مردمانی رها و هنرمند و هنرپرور. در کنار این گروه افراد دیگری کار اجرای موسیقی را به عهده دارند به نام مرسوم‌کار. این افراد آهنگر هستند و در قبال ساخت وسایل

فلزی و خصوصاً کشاورزی در موقع برداشت محصول، سهمی از محصول دارند که به آن سرخرمنی گفته می‌شود. بعضی از مرسوم‌کارها نوازنده هستند. سیاه باب طایفه‌ای دیگر هستند که کار آهنگری می‌کنند. سیاه باب به معنی دربه‌در است. این گروه با مرسوم‌کارها متفاوت‌اند و با زبان لولی‌ها و همچنین زبان‌هایی مثل گرزهای، زرگری و حتی هندی صحبت می‌کنند. برای مثال به چای می‌گویند سوتایی. به برنج می‌گویند رمنج، به آب پونر و به گوشت گوسفند کِلپ می‌گویند و به پدر باموک می‌گویند. این گروه هم سندونی هستند یعنی کار آهنگری می‌کنند و تعدادی از آنها نوازنده هم هستند. لوطی‌ها همگی نوازنده هستند و بعضی از آنها آهنگری هم می‌کنند.

تمام نوازندگانی که گفته شد مرد هستند. گروه دیگری که در عروسی‌ها اجرای موسیقی دارند خانم‌ها هستند که در بعضی نقاط دایره می‌نوازند و نوعی موسیقی به نام آوادون را اجرا می‌کنند. آوادون به دو صورت است یکی متریک و شاد شبیه به واسونک‌های فارس و دوم با متر آزاد و آوازی با تمی غمگین به لحاظ دوری خانواده از فرزند بعد از آیین پیوند. معمولاً برای اجرای آوادون خانم‌ها روبه‌روی هم می‌نشینند و مانند قاری‌ها یک دست را روی گونه می‌گذارند و یک نفر آواز را شروع می‌کند و بقیه او را همراهی می‌کنند. معمولاً نت آخر هر مصرع را به صوت ممتد و کشدار اجرا می‌کنند که بسیار آواز خاص و منحصر به فردی است.

آیین پیوند دارای مراحل بسیار است که اکثر آن‌ها یا به همراهی ساز و دهل (و گاهی نقاره) اجرا می‌شود یا به همراهی نیانبان و ضرب و تمپو یا با ترکیب سازبندی کرنا، نقاره و دهل و یا با دایره. خانم‌ها در هر نشستی معمولاً آوادون می‌خوانند که گاهی به همراه دایره‌نوازی است.

در اینجا به مراحل آیین پیوند می‌پردازم.

۱- طلبون یا خواستگاری (بله برون)

۲- خیلون (مردم‌خوانی)

۳- هیزم کنی

۴- گندم پاک‌کنی، در آسیابی و نون‌پزون

۵- درخت بنداز

۶- بیرق راست کنون

۷- قربونی

۸- حنابندون

۹- کنده سوزون

۱۰- چوبازی

۱۱- سرشورون

۱۲- سرآب (در حمومی)

۱۳- بذل، بجار، فضل

۱۴- عروس کشون

۱۵- غنچه برون

۱۶- خانه روان

۱۷- حجله روان

۱۸- پاتختی

بعد از طلبون (خواستگاری) و بله برون خانواده عروس و داماد مهمان‌ها را مشخص می‌کنند و پاکت‌نویسی می‌کنند این کار چندین روز قبل از مراسم انجام می‌شود تا فرصت دعوت و رساندن پاکت‌ها و همچنین فرصت برنامه‌ریزی مهمان‌ها برای شرکت در مراسم فراهم باشد.

به این رسم خیلون یا مردم‌خوانی گفته می‌شود. چند روز به مراسم عیش (عروسی) چند نفر مسئول آوردن هیزم می‌شوند. قبل از طلوع آفتاب هر نفر شاکی روی الاغ می‌اندازد برای آوردن هیزم. مادر داماد بساط صبحانه و چایی را همراه آنها می‌کند هیزم از تنه خشک درختان قونسک، بنه کوهی، بادام کوهی و درخت تربی تهیه می‌شود.

تنه آن‌ها را خرد کرده و بار الاغ می‌کنند. موقع برگشت نوازده‌ها جلوی آنها ساز می‌زنند. بعد از پاک کردن گندم‌ها، جوال گندمی (خوره) که گنجایش چهل من گندم را دارد روی الاغ می‌گذارند و گندم‌ها را به آسیاب می‌برند. جلوی این افراد هم ساز و دهل می‌نوازند. زن‌ها سنگ‌هایی را به عنوان پایه

تابه‌ها آماده می‌کنند و از آردها خمیر و چانه درست می‌کنند. برای پهن کردن خمیر از وسیله‌ای به نام تیره‌چو استفاده می‌کنند که خراط‌ها از چوب زیتون می‌سازند. نمونه کوچک آن را برای پهن کردن خمیرنان تیری و نمونه بزرگ‌تر برای پهن کردن نان معمولی استفاده می‌شود. معمولاً به سه نان تیری یک دسته می‌گویند. تمام نان‌ها یک روز قبل از عروسی پخته می‌شود. خانم‌ها بین کار آوادون می‌خوانند. معمولاً در این رسم به جای چای قهوه تلخ می‌نوشند. یک روز قبل از مراسم یک درخت سپیدار به ارتفاع حدوداً شش متر را پوست می‌کنند و روی آن را با نوعی گل رنگی به نام گِلک رنگ می‌کنند و مبارک باد می‌نویسند. به شاخه‌های آن هم سیب و انار و پارچه رنگی و پرچم آویزان می‌کنند و آن را لامپ‌کشی می‌کنند. به این درخت بیرق دوما یا طراده گفته می‌شود. برای علم کردن دخرت چاله‌ای به عمق حدوداً نیم متر جلوی خانه داماد می‌کنند پایین درخت را در خاک می‌کنند و به وسیله طناب آن را راست می‌کنند و چاله را پر می‌کنند. موقع راست کردن درخت ساز و دهل می‌نوازند در همین هنگام فرشی پهن می‌کنند و تعدادی از خانم‌ها با آب نیمه‌گرم و حنا بساط حنابندان شب و خمیر کردن حنا را انجام می‌دهند و آوادون می‌خوانند با این اشعار:

ای حنا بند، ای حنا بند یک حنای خوبی ببند

داغ فرزندات نبینی با گل و ریحون ببند

یا:

دوماد حنات میبندیم

وردست و پات میبندیم

اگه حنا نباشه

تنگ طلالت میبندیم

دوماد حنا بندونته

گوشه لب خندونته

چرخ و فلک با مشتری

عالم همه حبرونته

عاروس که عاروس منه

چراغ فانوس منه

حنای دوما د برگ بید

دستای ما مونده سفید

آقایان هم معمولاً با آنها هم صدا می‌شوند. موقع خواندن اشعار سرنا نوازی قطع می‌شود و نوازندگان سازهای کوبه‌ای هم به آرامی خوانندگان را همراهی می‌کنند. معمولاً در مراسم بیرق راست‌کنون حدود شش هفت نری‌بخته (نری‌هایی که در جوانی دمبران آنها را در آورده‌اند) را قربانی می‌کنند.

جگر و دل و قلو و قصاب می‌برد. کله‌پاچه و پوست را پدر داماد می‌برد که معمولاً کله‌پاچه را به اقوام نزدیک می‌دهد و با پوست‌ها نیز مشک درست می‌کنند. گوشت قربانی‌ها هم در مراسم عیش استفاده می‌شود. اگر پاییز باشد هیزم‌هایی از چوب بادام، زردآلو و آلبالو آماده می‌کنند و به هنگام شب در مراسم حنابندون آتش می‌زنند. مراسم چوبازی در کنده سوزون انجام می‌شود. چوب‌بازان معمولاً از طوایف منطری، توکلی، کریم زاده، آبسالان، سالاری، شیبانی، شعبانی، حسن‌خانی، حسین‌خانی و مهدی‌خانی هستند.

در روستای مُدِرَوان، آهویی، چغارچویی، کله‌مشک با اینکه بسیار جدی و حماسی انجام می‌شود بسیار دقیق و حرفه‌ای است به طوری که هیچ آسیبی به هیچ فردی وارد نمی‌شود. معمولاً دو به دو چوبازی می‌کنند. چوب‌ها حدود یک متر و بیست سانتی‌متر هستند از جنس چوب ارچن و بادام کوهی که روی آن‌ها خط‌هایی کشیده شده به آن‌ها ارچن هشت خط گفته می‌شود. بعد از چوب بازی دو نفره معمولاً چوب بازی یک نفر در مقابل سه نفر آغاز می‌شود. شام این مراسم معمولاً استامبولی‌پلو با ماست است. حناها را کنار آتش می‌گذارند. بعد از چوب بازی و دستمال بازی تعدادی از خانم‌ها حنا را به دست مردان می‌دهند. داماد را روی شانه گذاشته و می‌چرخانند. بعضی مواقع یکی از پهلوان‌ها علاوه بر داماد یک نفر دیگر را هم بر روی دوش خود می‌گذارد و سه نفری می‌چرخند. افرادی هم مواظب هستند تا داماد به زمین نخورد. بعد سازی‌ها یک آهنگ حماسی می‌زنند (معمولاً چوچاب) ولی حضار به جای چوب کف می‌زنند. بعد دست هم را می‌گیرند

و با حرکات منظم پا می‌رقصند.

در نهایت یکی از خانم‌ها و اقوام نزدیک داماد حنای داماد را می‌گذارد. اگر خانه عروس از خانه داماد فاصله داشته باشد اول حنای عروس را می‌گذارند و بعد همان حنا را می‌آورند و داماد را حنا می‌بندند. حنابندان عروس در خانه پدری او انجام می‌شود. اول به صورت صوری از پدر و برادران عروس اجازه می‌خواهند. آن‌ها هم طبق رسم ناز می‌آورند ولی نهایتاً اجازه می‌دهند. خانم‌ها حنابندان عروس را انجام می‌دهند. کلو می‌کشند و آواز می‌خوانند و گاهی دایره می‌نوازند. دست و پا و سر عروس را حنا می‌کنند. مردها هم قهوه آتشی می‌نوشند. بعد نوازندگان و مهمان‌ها به خانه پدر داماد می‌روند. معمولاً دو عدد پشتی و پارچه سبزی را رو به قبله می‌گذارند. دو نفر بازوان راست و چپ داماد را می‌گیرند و سه بار بالا و پایین می‌آورند و نهایتاً صلوات می‌فرستند و او را روی تخت می‌نشانند. بعد سازی‌ها شروع به نواختن می‌کنند و داماد را حنا می‌بندند. مهمان‌ها روی حنای او اسکناس می‌چسبانند و کلی اسکناس جمع می‌شود در این شب. مهمان‌ها و سازی‌ها به خانه می‌روند. روز بعد حدود ساعت نه و نیم در خانه پدر داماد کماجدان مسی می‌گذارند و مراسم سرشورون را انجام می‌دهند و سر داماد را می‌شورند. تا موقع ناهار سازی‌ها می‌نوازند. تمام خانه‌های اطراف با توجه به تعداد مهمان‌ها بسیج می‌شوند برای اقامت و پذیرایی مهمان‌ها.

حدود ساعت دو و نیم پسین (بعدازظهر) نهار و پذیرایی تمام می‌شود. افرادی که به آنها لقب شهردار می‌دهند مسئول جمع کردن ظرف‌ها و تمیز کردن محل می‌شوند. حدود ساعت سه و نیم داماد را به سرچشمه می‌برند برای تعویض لباس‌ها و حمام کردن. لباس‌های قدیمی داماد معمولاً به سازی‌ها داده می‌شود. اگر چشمه در آن نزدیکی نباشد داماد را سر تلمبه آب می‌برند و یا در حمام خانه‌ای رسم را به جا می‌آورند و لباس‌های او را عوض می‌کنند. کله‌قند و آینه قرآن و شکلات در یک سینی می‌گذارند و جلوی داماد ساز و دهل می‌زنند و او را به خانه پدرش می‌برند... بعد از حمام بردن داماد دفتر فضل می‌آورند که به آن بذل، فضل و یا بجار می‌گویند. بعد از به تخت گذاشتن داماد هر فرد هدیه و پولی به عروس و داماد می‌دهد که توسط یک نفر نوشته می‌شود و در عروسی خود هدیه‌دهنده و یا خانواده او جبران می‌شود.

این پول‌ها در اصل مانند وامی است که برای شروع زندگی به عروس و داماد داده می‌شود و به تدریج در عیش وام‌دهندگان و یا خانواده آنها بازگردانده می‌شود. شب دوم خانه پدر عروس خرج می‌دهند. البته خانواده داماد بساط گوشت، برنج، قند و چایی، میوه، شیرینی و هیزم را به در خانه پدر عروس می‌برند. عصر سازی‌ها آزاد هستند و از آنها به صورت جانانه پذیرایی می‌شود. بعد از اذان مغرب برای عروس‌کشان دنبال سازی‌ها می‌آیند. فردی در می‌زند و نام سازی‌ها را صدا می‌زند. سازی‌ها را در یک وانت می‌نشانند برای نوازندگی سیار. بعد عروس از آرایشگاه بیرون می‌آید و در ماشین داماد می‌نشیند. گاهی خود داماد راننده است و عروس جلوی ماشین کنار او می‌نشیند و گاهی راننده‌ای ماشین را می‌راند و عروس و داماد عقب خودرو می‌نشینند. روی سر آنها نقل و شکلات می‌پاشند و کلو می‌کشند. حدود پانصد متر مانده به خانه عروس سازی‌ها شروع به نواختن می‌کنند. پدر عروس گوسفند می‌کشد و به همراه کلو و شاباش. لاشه را یک طرف و سر قربانی را یک طرف می‌گذارد و عروس و داماد از بین آنها رد می‌شوند. مواظب هستند تور بهاره (لباس عروس) خونی نشود. عروس و داماد کنار هم می‌نشینند. بعد داماد برای خوش‌آمد گویی و نظارت بر امور بین مهمان‌ها می‌آید. بعد از شام هم حدود یک ساعت ساز می‌زنند و چوب بازی می‌کنند. بعد از مراسم پیوند عروس و داماد، مهمان‌ها و نوازنده‌های وانت سوار، مراسم عروس‌کشون را شروع می‌کنند و آن دو را به خانه داماد می‌برند.

این مراسم به شب‌خونه‌روان مشهور است. عروس و داماد به حجله می‌روند و تا سه روز بیرون نمی‌آیند. معمولاً با جگر و دل و قلوه گوسفند برای آنها غذا می‌پزند و با چرمال هم از آن‌ها پذیرایی می‌شود. بعد از روز سوم عروس و داماد از حجله بیرون می‌آیند. آش درست می‌کنند. در این مراسم بیشتر اقوام نزدیک حضور دارند و رسم پاتختی را انجام می‌دهند. معمولاً در این مراسم سازی‌ها حضور ندارند. مهمان‌ها هدیه می‌دهند به عروس و داماد. غنچه‌برون هم رسمی است که در آن جهاز عروس را به خانه داماد می‌برند بعد از مراسم آش خوران. از قبل خانه فرش شده است و به همراه صدای ساز و دهل جهیزیه را به در خانه عروس و داماد برده و می‌چینند. این خلاصه‌ای بود از آیین پیوند که با اختلافاتی در نواحی مختلف منطقه ابر انجام می‌شود. امیدوارم این آیین‌های ریشه‌دار و کهن هیچگاه به فراموشی سپرده نشود.